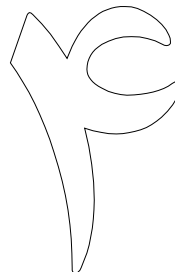


سیاست جغرافیایی و توسعه طلبی: شهرک سازی در اراضی اشغالی



* سید محمد کاظم سجادیپور

** سید روح الله حاج زرگرباشی

*** حسین آجورلو

* سید محمد کاظم سجادیپور معاون پژوهشی و دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه می باشد.

** سید روح الله حاج زرگرباشی کارشناس ارشد روابط بین الملل می باشد. (r.zargarbashi@yahoo.com)
*** حسین آجورلو دانشجوی دکترای روابط بین الملل و دیپلماسی می باشد.

تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۷

فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۴۶-۱۱۱.



چکیده

با اعلام فلسطین به عنوان سرزمین موعود و آغاز مهاجرت یهودیان به این منطقه، همواره یکی از مباحث مورد مناقشه، توسعه طلبی اسرائیل نسبت به اراضی فلسطینی بوده است. این کشور تا پیش از دهه هفتاد با سوءاستفاده از فضای سنگین جنگ سرد، در سرزمین های عربی، وارد درگیری های نظامی شد و بخش هایی از آنها را به اشغال درآورد. با عبور از دهه هفتاد، توسعه طلبی اسرائیل از طریق زور و اجبار از نظر جامعه جهانی قابل پذیرش نبود. از این رو اسرائیل، توسعه طلبی را از طریق انتقال یهودیان به مناطق اشغالی ۱۹۶۷ و اسکان آنان در آن مناطق در قالب شهرک سازی ادامه داد تا بتواند بافت جمعیتی این سرزمین ها را به نفع یهودیان تغییر دهد. در این مقاله ضمن بیان این روند سعی شده است این مسئله در قالب «نظریه میدان متحد»/ استفان بار جونز تحلیل و بررسی شود و به این مسئله پرداخته می شود که اسرائیل در پس شهرک سازی به دنبال توسعه طلبی و الحاق سرزمین های اشغالی فلسطین است.

واژه های کلیدی: شهرک سازی، توسعه طلبی، اسرائیل، نظریه میدان متحد، انتقال جمعیت

مقدمه

مناقشه اعراب و اسرائیل یکی از چالش‌های بزرگ سیاست بین‌الملل در قرن بیستم است و به نظر می‌رسد که در آینده نزدیک نیز همچنان به‌عنوان یکی از مسائل حل‌نشده بین‌المللی باقی بماند. از مهم‌ترین موانع دستیابی به صلح پایدار میان اعراب و اسرائیل می‌توان به مسائلی چون آب، تعیین حدود مرزها، بازگشت آوارگان، تقسیم بیت‌المقدس و موضوع شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی ۱۹۶۷ اشاره کرد. در این میان از موانعی که کمتر به آن پرداخته می‌شود، موضوع پراهمیت شهرک‌سازی یهودیان در مناطق اشغالی ۱۹۶۷ شامل کرانه باختری رود اردن، بیت‌المقدس شرقی، نوار غزه، صحرای سینا و نوار غزه است. این مقاله ضمن تشریح موضوع شهرک‌سازی به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که اسرائیل با شهرک‌سازی در فلسطین چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

برای دستیابی به درکی بهتر از موضوع، تئوری میدان متحد/استفان بارجونز می‌تواند چهارچوب مناسبی برای این بحث باشد. در این تحقیق ضمن ارائه تاریخچه‌ای درباره شهرک‌سازی در اراضی فلسطینی، آشکال و روند توسعه این شهرک‌ها را توضیح می‌دهیم و سپس به ترکیب جمعیتی و اقتصادی آنها می‌پردازیم. فرضیه این مقاله بر این مبنا است که با وجود اختلاف‌نظر احزاب و گروه‌ها در اسرائیل، شهرک‌سازی اسرائیل در این مناطق در راستای توسعه‌طلبی و الحاق بخشی از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ به این کشور است و این مسئله به‌معنای آزاد کردن بخش محدودتری از مناطق اشغالی است.

در این پژوهش سعی شده تا مباحث مربوط به شهرک‌سازی را به تفصیل بیان کنیم، چراکه به نظر می‌رسد این مشکل در لابلای موضوعات به‌ظاهر مهم‌تری چون



مسئله بیت المقدس کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است و به تبع آن کارهای علمی کمتری پیرامون این موضوع صورت گرفته است. این درحالی است که هم‌اکنون مسئله شهرک‌سازی، عملاً جدی‌ترین مانع دستیابی به صلح است. این مسئله را در خوش‌بینی برخی از محققان و سیاستمداران در مورد توصیه ایشان به تخلیه این مناطق توسط اسرائیل در قبال به رسمیت شناختن این کشور توسط گروه‌های فلسطینی و اعطای ضمانت‌های امنیتی (مانند آنچه در نوار غزه و صحرای سینا شاهد بودیم) می‌توان ملاحظه کرد. این تحلیل اشتباه به نظر می‌رسد، چراکه در کرانه باختری رود اردن و شرق بیت المقدس، حدود نیم میلیون نفر جمعیت یهودی در شهرک‌های یهودی‌نشین زندگی می‌کنند که نه اسرائیل و نه هیچ دولت دیگری قادر به جابه‌جایی اجباری این جمعیت نیست و اگر ما شاهد انتقال گروهی از نوار غزه و صحرای سینا بودیم، به دلیل جمعیت زیر ده هزار نفر آن منطقه بوده است. از این رو پرداختن به مسئله شهرک‌سازی و درک بهتر مسائل مرتبط با آن برای جلوگیری از تشدید موضوع، بیش‌ازپیش اهمیت می‌یابد و در صورت حل نشدن این مشکل، شاهد الحاق بخشی از سرزمین‌های اشغالی به اسرائیل خواهیم بود که به دنبال آن، اهداف توسعه‌طلبانه این رژیم تحقق خواهد یافت.

درباره این موضوع پژوهش‌های مناسبی انجام شده است که هرکدام از زاویه متفاوتی به موضوع پرداخته‌اند. برای مثال در کتاب «شهرک‌سازی در مناطق اشغالی» نوشته خالد عاید، به موضوع شهرک‌سازی به صورت ریشه‌ای پرداخته شده است و وقایع مربوطه تا دهه ۱۹۹۰ در آن بررسی شده است. این اثر که در این پژوهش نیز از آن استفاده شده است، صرفاً به مباحث جمعیتی و آماری شهرک‌سازی پرداخته که در این مقاله بحث «شهرک‌سازی بخشی در رویکرد توسعه‌طلبی»، و طبعاً مباحث جمعیتی و آماری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین در کتاب «سیاست ترانسفر یا کوچ اجباری فلسطینیان در خدمت راهبرد وصول به اسرائیل بزرگ»، اثر عبداللّه الحسن با استفاده از «نظریه ترانسفر» و تعمیم آن به مباحث جمعیتی و شهرک‌سازی فلسطینیان، تلاش شده تا اقدامات اسرائیل را در راستای تغییر بافت جمعیتی نشان دهد. این کتاب بیشتر به مباحث مربوط به مناطق اشغالی سال ۱۹۴۸ پرداخته و اشاره‌هایی نیز به سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ کرده است. اما در این مقاله تلاش شده

است تا بیشتر به مباحث مربوط به سرزمین‌های سال ۱۹۶۷ پرداخته شود.

رویکرد نظری

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا انسان‌ها به دنبال ایجاد کشور یا به‌دست آوردن سرزمین‌های بیشتری هستند. ژان گاتمن^۱ در پاسخ به این سؤال، قلمروخواهی را مطرح کرده است. رابرت آردری^۲ قلمروخواهی را ناشی از طبیعت انسانی می‌داند: «بشر ضرورتاً متخاصم بوده و تحت نفوذ تمایلی است که درصدد اعمال نظارت انحصاری به فضا است». (مویر، ۱۳۷۹: ۱۴) اما در مخالفت با این نظر دیوید ام. اسمیت^۳ براین عقیده است که: «قلمروخواهی یک ویژگی غریزی انسانی نبوده بلکه یک ساخته اجتماعی است». (مویر، ۱۳۷۹: ۱۷)

گاتمن معتقد است که قلمرو یک دولت، عبارت است از: «ناحیه‌ای از زمین، دریا و هوا که آن دولت در حدود آن حکمرانی می‌کند. بدون داشتن قلمرویی معین هرگز دولتی تشکیل نمی‌شود و براساس همین اصل است که قبایل صحراگرد و چادرنشین با اینکه مطیع قدرت رئیس قبیله هستند ولی از آنجا که قلمرو معین و مشخصی ندارند، دولتی تشکیل نمی‌دهند. بنابراین یکی از عناصر لازم برای تشکیل حکومت‌های محلی، داشتن قلمرو است. بدین معنی که هر سازمان محلی باید دارای محدوده مشخص و مجزایی از سایر واحدهای ارضی باشد». (خالقی، ۱۳۸۷: ۱۷)

استفان بار جونز^۴ یکی از نظریه‌پردازان جغرافیای سیاسی پس از جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۵۴ نظریه خود را درباره تشکیل کشور با نام «نظریه میدان متحد» در کتابی با همین عنوان ارائه داد. نظریه میدان متحد، عنوان یک تئوری در فیزیک است که استفان بارجونز با وارد کردن این واژه در جغرافیای سیاسی و تلفیق سه نظریه این حوزه یعنی نظریات دورنت ویتلسی،^۵ ریچارد هارتشورن^۶ و ژان گوتمن، نظریه جدید خود را مطرح کرد. براساس این نظریه، روندی در تکوین یک کشور وجود دارد که مشتمل بر پنج مرحله است: (مویر، ۱۳۷۹: ۱۲۰)

1. Jean Gottmann

2. Robert Ardery

3. David M. Smith

4. Stephen Barr Jones

5. Derwent Stainthorpe Whittlesey

6. Richard Hartshorne

۱. **اندیشه:** نخستین مرحلهٔ تکوین یک کشور، وجود یک اندیشه و ایدئولوژی مهم وحدت‌بخش است. یک اندیشهٔ قوی برای ایجاد کشور باید از نظرات، اعتقادات و نگرش‌های وحدت‌بخش و استقلال‌خواهانهٔ یک نژاد یا گروه اجتماعی در کل یک ملت ایجاد شده باشد.

۲. **تصمیم:** دومین مرحلهٔ تکوین یک کشور، تصمیم به ایجاد آن است. زمانی که یک اندیشه برای ایجاد یک کشور شکل می‌گیرد، اگر تصمیمی برای عملی کردن آن وجود نداشته باشد، این اندیشه در حد یک فکر باقی می‌ماند. ملت‌ها در مسیر تاریخی زندگی خود با انواع مشکلات و مراحل روبه‌رو می‌شوند که ناگزیر از تصمیم‌گیری است و این تصمیم‌گیری نقش بسیار عمده‌ای در زندگی یک ملت خواهد داشت؛ تصمیم‌گیری‌های خرد در امور عادی و معمول و نیز تصمیم‌گیری‌های مهم و سرنوشت‌ساز، تأثیراتی را به دنبال دارند. این تصمیم‌گیری‌ها به لحاظ اهمیتی که در سرنوشت یک ملت دارند، دارای اهمیت بسیار بالایی هستند و چه‌بسا تعلق در اتخاذ تصمیمی مناسب، پیامدهای غیرقابل‌جبرانی را برای یک ملت به بار آورد. در طول تاریخ، اندیشه‌های زیادی برای ایجاد کشور به وجود آمده ولی هیچ‌گاه آن ملت تصمیم به عملی کردن آن نگرفته‌اند. گاهی هم برخی از ملت‌ها این تصمیم را اتخاذ کرده و در راستای عملی کردن آن حرکت کرده‌اند.

۳. **حرکت:** سومین مرحلهٔ تکوین یک کشور حرکت و جنبش برای عملی کردن تصمیم خود بر پایهٔ اندیشهٔ ایجاد است. حرکت اجتماعی یا ملی به هرگونه تلاش جمعی برای پیشبرد یا تأمین اهداف و منافع مشترک می‌گویند. قدرت یک حرکت اجتماعی بستگی به میزان طرفداری کمی و کیفی و اعتقاد افراد یک ملت یا یک گروه اجتماعی به این حرکت دارد. برخی حرکت‌های اجتماعی در چهارچوب قوانین و برخی دیگر غیرقانونی یا زیرزمینی انجام می‌گیرد.

۴. **میدان:** چهارمین مرحلهٔ تکوین یک کشور، میدان یا حوزهٔ حرکت برای اجرایی کردن یک تصمیم است، زیرا برای شکل‌گیری یک کشور، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین ضروری است. آن سرزمین نیز باید شرایط خاصی برای یک ملت و در راستای اندیشهٔ ایجاد یک کشور داشته باشد. یعنی اولاً به آن سرزمین



نگرشی مثبت داشته باشند یا اینکه خود را متعلق به آن سرزمین بدانند و حاضر باشند برای آن حتی از جان و مال خود نیز بگذرند؛ ثانیاً زندگی در این سرزمین را بر سایر نقاط جهان ترجیح دهند.

۵. کشور: واپسین مرحلهٔ تکوین یک کشور، ایجاد آن است؛ کشوری که دارای چهار عنصر تشکیل‌دهنده یعنی سرزمین، جمعیت، حاکمیت (داخلی و خارجی) و حکومت باشد.

مهاجرت یهودیان به اسرائیل

همان‌طور که در بالا اشاره شد، اندیشه، نخستین مرحلهٔ تکوین یک کشور است. لذا تشکیل یک کشور پیش از هر چیز به یک اندیشه و ایدئولوژی وحدت‌بخش نیاز دارد. از سوی دیگر یک اندیشهٔ قوی برای ایجاد یک کشور باید از نظرات، اعتقادات و نگرش‌های وحدت‌بخش و استقلال‌خواهانهٔ یک نژاد یا گروه اجتماعی در کلّ یک ملت نشئت گرفته باشد.

نخستین موج مهاجرت به فلسطین در سال ۱۸۸۳ با مهاجرت اشکنازی‌ها از اروپا در نتیجهٔ یهودی‌ستیزی اروپایی‌ها آغاز شد و با ایده‌های ناسیونالیستی صهیونیسم بر مبنای عقاید سوسیالیستی موزس هس^۱ با عنوان «بازخرید وطن» ادامه پیدا کرد. (آجورلو و حاج‌زگرباشی، ۱۳۸۸: ۶۴) این مرحله، تصمیم یا همان دومین مرحلهٔ تکوین یک کشور برای ایجاد آن است. زمانی که یک اندیشه برای ایجاد یک کشور شکل می‌گیرد، اگر تصمیمی برای عملی کردن آن وجود نداشته باشد این اندیشه در حد یک فکر باقی می‌ماند. ملت‌ها در مسیر تاریخی زندگی خود با انواع مشکلات و مراحل روبه‌رو می‌شوند که ناگزیر از تصمیم‌گیری است و این تصمیم‌گیری نقش بسیار عمده‌ای در زندگی آنان دارد. یهودیان، زمین‌های زیادی را از عثمانی‌ها و مالکان عرب خریداری کردند و پس از آن در این سرزمین‌ها مراکز و آبادی‌های کشاورزی ایجاد نمودند. (Hiro, 1982: 59) تئودور هرتزل (۱۸۶۰-۱۹۰۴) در سال ۱۸۹۶ کتابی با نام «دولت یهود»^۲ منتشر کرد و در آن، ایدهٔ تشکیل یک کشور

1. Moses Hess

2. Der Judenstaat



یهودی را مطرح نمود و با تلاش وی کنگره جهانی صهیونیسم^۱ تشکیل شد. (Quigley, 2005: 4) این اندیشه باعث ایجاد حرکت که همان سومین مرحله تکوین یک کشور برای عملی کردن تصمیم خود بر پایه اندیشه ایجاد است، شد. حرکت اجتماعی یا ملی به هرگونه تلاش جمعی برای پیشبرد یا تأمین اهداف و منافع مشترک می‌گویند. ایجاد جنبش صهیونیسم، موجب موج دوم مهاجرت به خاورمیانه شد (۱۹۰۴-۱۹۱۷) و بیش از ۴۰۰۰۰ یهودی به آن سرزمین مهاجرت کردند. (Marshall, 2002: 101) در سال ۱۹۱۷، پس از قرارداد سایکس - پیکو، آرتور جی بالفور، وزیر خارجه بریتانیا اعلامیه‌ای را منتشر کرد که در آن از فلسطین به‌عنوان سرزمینی برای یهودی‌ها پشتیبانی شده بود. (Gettleman and Schaar, 2003: 170)

با انتشار این اعلامیه، چهارمین مرحله تکوین یک کشور یا میدان که همان حوزه فعالیت حرکت برای اجرایی کردن یک تصمیم است، به‌وجود آمد. لذا از آنجا که برای شکل‌گیری یک کشور، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین ضروری است، سرزمین ملت فلسطین تبدیل به این میدان شد. در ۱۹۲۰، فلسطین از سوی جامعه ملل تحت قیمومیت بریتانیا قرار گرفت و مهاجرت یهودیان^(۱) نیز در موج سوم (۱۹۱۹-۲۳) (Fein, 1968: 23) و موج چهارم (۱۹۲۴-۳۱) (Sachar, 1996: 154) پس از جنگ اول جهانی ادامه یافت. هم‌زمان با یهودی‌ستیزی و گسترش نازیسم در اروپا، موج گسترده‌ای از مهاجرت به این سرزمین ایجاد شد و سال ۱۹۳۲، آغازگر موج پنجم مهاجرت بود (Sachar, 1996: 188) چراکه نسبت یهودیان به غیریهودیان از ۱۱ درصد در ۱۹۲۲ به ۳۰ درصد در ۱۹۴۰ افزایش یافت. پیش از این ۲۸ درصد از اراضی سرزمین فلسطین توسط یهودیان و یا سازمان‌های صهیونیست خریداری شده بود (Sachar, 1996: 188) که منجر به اقدام بریتانیا شد. در سال ۱۹۳۹، بریتانیا «سند سفید» (گزارش دولت)^۲ خود را منتشر کرد و در آن مهاجرت یهودیان و خرید زمین توسط آنها را محدود کرد، که شاید یک علت آن شورش‌های اعراب در فاصله سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۳۹ بوده است. (Pappe, 2004: 118) از دیدگاه انجمن‌های یهودی و صهیونیست‌ها، این سند سفید، خیانت به اعلامیه ۱۹۱۷ بالفور بود. ضمن آنکه

1. World Zionist Congress

2. White Paper of 1939

اعراب نیز از این تصمیم راضی نبودند و خواهان توقف کامل مهاجرت یهودیان به این سرزمین بودند. اما این «سند سفید» خط‌دهنده سیاست بریتانیا تا انتهای دوران قیمومیت بر آن سرزمین بود؛ (آجورلو و حاج‌زگرباشی ۱۳۸۸: ۶۵) در نتیجه از مهاجرت بسیاری از یهودیان که از آزار نازی‌های آلمان به فلسطین فرار می‌کردند، جلوگیری شد و آنان مجبور به بازگشت به اروپا شدند. (Lilienthal, 2004: 40)

در سال ۱۹۴۷ نیروهای بریتانیایی، ناامید از برقراری توازن میان اعراب و یهودیان، خود را از مناسبات کنار کشیدند. برحسب طرح تقسیم ارائه‌شده توسط سازمان ملل، قرار بر این بود که سرزمین فلسطین بین اعراب و یهودیان تقسیم شود و بیت‌المقدس (اورشلیم) نیز محدوده تحت نظارت سازمان ملل قرار گیرد تا از ایجاد برخورد جلوگیری شود. اعراب با تشکیل حاکمیتی یهودی به هر شکل مخالف بودند و مخالفت خود را نیز اعلام کردند. (Izzeddin and Hocking, 2006: 242)

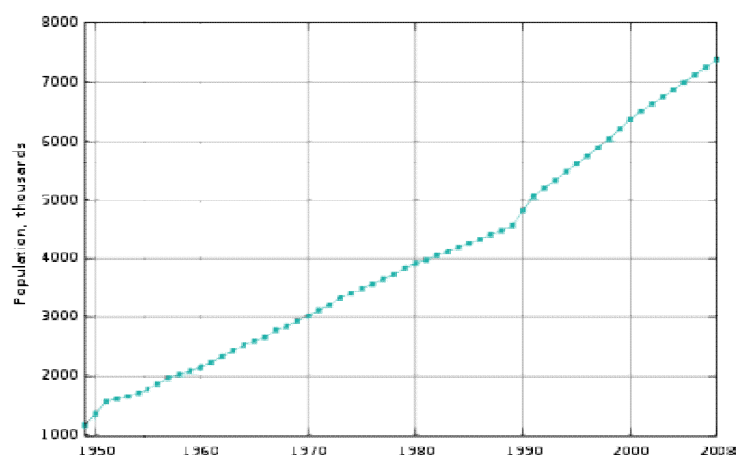
ایجاد کشور، آخرین مرحله تکوین یک کشور است که دارای چهار عنصر تشکیل‌دهنده یعنی سرزمین، جمعیت، حاکمیت (داخلی و خارجی) و حکومت است. در پی اعلام استقلال اسرائیل، منازعه بین اعراب و یهودیان به‌طور جدی آغاز شد. کشورهای عربی به‌ویژه سوریه و مصر به‌طور رسمی چهار بار در سال‌های ۱۹۴۸ (جنگ استقلال)، ۱۹۵۶ (کانال سوئز)، ۱۹۶۷ (شش‌روزه) و ۱۹۷۳ (یوم کیپور یا رمضان)^(۲) با اسرائیل وارد درگیری نظامی شدند. (آجورلو و حاج‌زگرباشی، ۱۳۸۸: ۹۰-۹۲)

در دوران پس از جنگ جهانی دوم و جنگ‌های اعراب و اسرائیل، روند مهاجرت به اسرائیل ادامه داشت؛ این مهاجران عمداً از شوروی سابق، اروپای شرقی، کشورهای عربی به‌ویژه عراق، مراکش، ایران و اتیوپی به این کشور مهاجرت کردند. با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در دهه ۸۰ و ۹۰ موج ششم مهاجرت^(۳) به اسرائیل شکل گرفت و نزدیک به یک میلیون نفر از جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته و اروپای شرقی به این سرزمین مهاجرت کردند و ترکیب جمعیتی اسرائیل را به نفع روس‌تبارها تغییر دادند. به‌طوری‌که جمعیت اسرائیل که در زمان اعلام استقلال در ماه می ۱۹۴۸ حدود ۸۰۶ هزار نفر بوده، (Singer and Grossman, 2003: 268) امروز به بیش از هفت میلیون نفر افزایش یافته است.

جدول شماره (۱)

موج	دوره زمانی	میزان مهاجران	مبدأ مهاجرت
اول	۱۸۸۳-۱۹۰۳	نفر ۲۵۰۰۰	روسیه، هلند، رومانی
دوم	۱۹۰۴-۱۴	نفر ۳۴۰۰۰	روسیه، اروپای شرقی
سوم	۱۹۱۹-۲۳	نفر ۳۵۱۰۰	حوزه بالتیک، روسیه، هلند
چهارم	۱۹۲۴-۳۱	نفر ۷۸۸۹۸	هلند، رومانی، خاورمیانه
پنجم	۱۹۳۲-۴۸	نفر ۳۴۳۰۸۴	آلمان، اروپای غربی، هلند، مرکز اروپا، بالکان، خاورمیانه
ششم	۱۹۸۷-۹۳	حدود یک میلیون نفر ^(۴)	روسیه، اروپای شرقی

نمودار شماره (۱)



روند توسعه شهرک‌سازی در مناطق اشغالی ۱۹۶۷

با تشکیل اسرائیل در ۷۷ درصد سرزمین فلسطین باستانی، پس از جنگ‌های استقلال بین اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹، این کشور یهودی در خاورمیانه شکل گرفت و مهاجرت یهودیان به این کشور سرعت بیشتری یافت و اعراب ساکن این مناطق به بیرون از مناطق اشغالی رانده شدند. (الحسن، ۱۳۸۶) اما وضعیت به همین منوال باقی نماند و در پی جنگ ژوئن ۱۹۶۷، اشغال سرزمین‌های جدید، دولت اسرائیل را به فکر انضمام این سرزمین‌ها به خاک خود انداخت تا اندیشه خود، یعنی ایجاد اسرائیل بزرگ را عملی کند، (مصالحه، ۲۰۰۱: ۸۹) اما این



امر با مشکلات زیادی روبه‌رو بود که عبارتند از:

۱. عدم به رسمیت شناختن ضمیمه سرزمین‌های اشغالی به اسرائیل توسط بسیاری از کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی؛
۲. نبود جمعیت یهودی در سرزمین‌های اشغالی جدید برخلاف اراضی اشغالی ۱۹۴۹ که در آن مناطق اقلیت یهودی ساکن بود؛
۳. ضمیمه شدن قطعی مناطق اشغالی به خاک اسرائیل احتمال وقوع جنگ‌های دیگر و اقدامات شدیدتر کشورهای عربی را مانند جنگ ۱۹۷۳ در پی داشت؛
۴. نظام دوقطبی دوران جنگ سرد و حمایت شوروی از اعراب در مقابل اسرائیل که مورد حمایت غرب بود.

همان‌طور که گفته شد یکی از موانع ضمیمه کردن سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷، نبودن یهودیان در این مناطق بود. از زمان جنگ تا آوریل ۱۹۷۷، لوی اشکول،^۱ گلدا مایر و اسحاق رابین، نخست‌وزیران اسرائیل از احزاب میانه‌رو و جناح چپ مابای و کارگر بودند که مایل به ایجاد تنش با اعراب نبودند. دولت‌های بعدی اسرائیل به‌ویژه احزاب راست‌گرا از جمله حزب تندرو لیکود و نخست‌وزیران آن یعنی مناخیم بگین و اسحاق شامیر به این فکر افتادند که برای الحاق این سرزمین‌ها به اسرائیل، اقدام به یهودی‌سازی آن مناطق کنند. از این‌رو اقدامات ذیل را انجام دادند:

۱. اشاعه شعار سرزمین یکپارچه اسرائیل؛
۲. تصویب قانون آزادی خرید و فروش زمین برای یهودیان در سرزمین اشغالی؛

۳. مصادره سرزمین‌های دولتی و خصوصی به بهانه‌های مختلف؛
۴. ارائه تسهیلات برای خرید واحد مسکونی در این مناطق. (مصالحه، ۲۰۰۱: ۹۴-۹۵)

طرح‌هایی نیز برای توسعه ارضی و شهرک‌سازی در این راستا ارائه شد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

1. Levi Eshkol

الف - طرح آلون

یگال آلون،^۱ معاون نخست‌وزیر وقت اسرائیل، برای دستیابی به یک راه‌حل سیاسی برای بحران هجوم عده‌ای یهودی به منطقه و فراهم کردن امکان شهرک‌سازی در مناطق اشغالی ۱۹۶۷، طرحی معروف به «طرح آلون» را به دولت اسرائیل ارائه کرد که به علت حاکمیت احزاب میانه‌رو در آن زمان به تصویب نرسید، (Shafir and Peled, 2002) اصول اساسی این طرح درباره شهرک‌سازی عبارتند از:

۱. ساخت تعدادی از شهرک‌های یهودی‌نشین با نظارت وزارت دفاع اسرائیل در امتداد دره رود اردن، بیت‌المقدس شرقی و حومه و کناره شهر تاریخی الخلیل؛
۲. احداث فوری تعدادی از محله‌های یهودی در قسمت شرقی بیت‌المقدس و بازسازی محله‌های تخریب‌شده یهودیان در بخش قدیمی این شهر که در خلال جنگ‌ها تخریب شده بود. (عاید، ۱۳۷۹: ۲۱-۲۰)

قشه شماره (۱)



ب - طرح دروبلس

در اکتبر ۱۹۷۸، پس از روی کار آمدن حزب لیکود، طرحی به نام طرح دروبلس توسط ماتیتیهو دروبلس،^۱ عضو کنست مطرح شد. طرح دروبلس شامل برنامه‌ای برای گسترش عملیات شهرک‌سازی در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه بود که باید در یک دوره پنج‌ساله (۸۳-۱۹۷۹) اجرا می‌شد. براساس این طرح، قرار بر این بود که طی این پنج سال، نزدیک به هفتاد شهرک در کرانه باختری ایجاد و شهرک‌های موجود توسعه یابد. (Thomas, 1999: 249) طرح دروبلس بر چند اصل اساسی مبتنی بود از جمله:

۱. شهرک‌سازی برای یهودیان در مناطق اشغالی، حق طبیعی آنان است؛
۲. شهرک‌سازی برای اهداف امنیتی صورت می‌گیرد؛
۳. شهرک‌ها باید به صورت گروهی و مرتبط ساخته شوند؛
۴. چند شهرک یهودی‌نشین را می‌توان با یکدیگر ادغام و به یک شهر یهودی‌نشین تبدیل کرد؛
۵. شهرک‌سازی نباید محدود به حومه مناطق مسکونی اقلیت عرب شود بلکه باید در درون این مناطق هم صورت گیرد. (عاید، ۱۳۷۹: ۳۸-۱۹)

ج - طرح ساخت‌وساز در یهودا - شومرون و نوار غزه

طرح سازندگی در یهودا - شومرون و نوار غزه توسط آریل شارون، وزیر سازندگی و مسکن وقت در سال ۱۹۹۰ ارائه شد. براساس این طرح پنج‌ساله، ضمن تداوم اجرای برنامه‌های شهرک‌سازی دولت‌های پیشین اسرائیل که در چهارچوب یک طرح استراتژیک بلندمدت و به منظور حفظ سلطه نظامی بر مناطق استراتژیک صورت می‌گرفت، بر سرعت بیشتر اقدام به ساخت شهرک‌ها در این مناطق تأکید شده بود. (عاید، ۱۳۷۹: ۳۵)

د - طرح حزب کارگر

پس از پیروزی حزب کارگر در ۱۳ جولای ۱۹۹۲، دولت جدید به نخست‌وزیری

اسحاق رابین، تصمیم به تعلیق ساخت ۶۶۸۱ واحد مسکونی در شهرک‌های یهودی در مناطق اشغالی گرفت. (عاید، ۱۳۷۹: ۳۵) لازم به ذکر است براساس این تصمیم چند استثنا وجود داشت که عبارتند از:

۱. قسمت‌هایی از کرانه باختری، شامل کناره خط سبز (خط آتش بس ۱۹۴۹)؛
 ۲. بیت‌المقدس شرقی و حوالی آن؛
 ۳. دره رود اردن؛
 ۴. ده‌هزار واحد مسکونی که مراحل پایانی ساخت خود را می‌گذراندند.
- (معروف، ۱۳۷۴: ۱۱۰)

۵- طرح حزب لیکود در سال ۲۰۰۹

پس از پیروزی حزب لیکود در سال ۲۰۰۹ و نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو این دولت تصمیم گرفت با وجود اعتراض‌ها و مخالفت‌های بین‌المللی، در ادامه تلاش‌های خود برای یهودی‌سازی مناطق اشغالی، ۹۰۰ واحد جدید در بیت‌المقدس شرقی ایجاد کند. این طرح جدید، اسرائیل برای ساخت صدها واحد مسکونی دیگر در شهرک یهودی‌نشین گیلو در جنوب بیت‌المقدس شرقی، پیش‌زمینه هفت طرح گسترده شهرک‌سازی است که اسرائیل قصد دارد برای اسکان یهودیان در این منطقه اشغال‌شده اجرا کند. حدود ۱۰۷ واحد نیز قرار است در ناحیه نواف‌تزیون ساخته شود. این ناحیه در حال حاضر از ۷۰ واحد مسکونی تشکیل شده است و حدود ۴۰۰ ساکن اسرائیلی دارد. شهرک صد واحدی موسکویچ نیز قرار است در جبل‌المکبر در بیت‌المقدس شرقی احداث شود. (لمون پرس، ۱۳۸۸)

لازم به ذکر است شهرک‌سازی از اواسط دهه هفتاد تا نیمه اول دهه ۹۰ رشد زیادی داشت. علل رشد زیاد آن در این دوره عبارتند از:

۱. روی کار آمدن حزب لیکود در ۱۹۷۷ و سیاست این حزب مبنی بر الحاق سرزمین اشغالی به اسرائیل؛
 ۲. مهاجران جدید به اسرائیل و نیاز به سرزمینی برای اسکان آنها؛
 ۳. پایان جنگ‌های اعراب و اسرائیل و ایجاد امنیت نسبی.
- اما به چند دلیل از اواسط دهه ۹۰ تاکنون شاهد کاهش رشد این

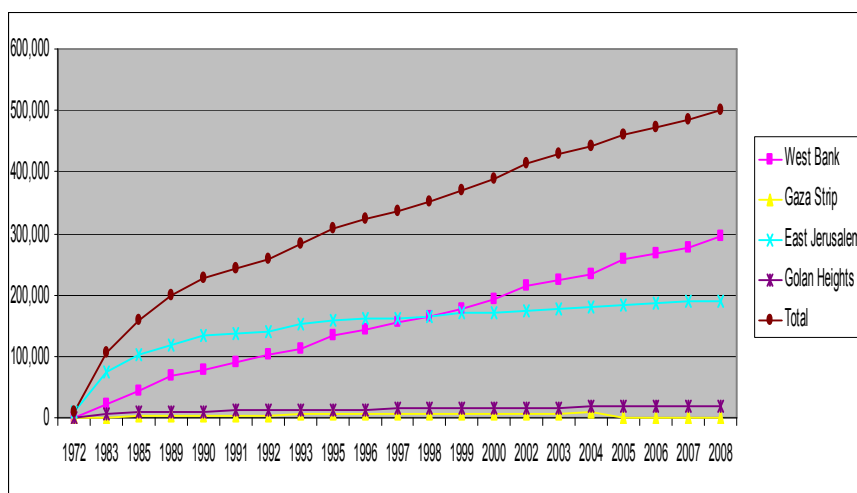
شهرک‌سازی‌ها بوده‌ایم که عبارتند از:

۱. آغاز انتفاضهٔ عمومی و بالا گرفتن خشونت‌ها بین دو طرف در مناطق اشغالی؛
۲. آغاز مذاکرات صلح بین اعراب و اسرائیل؛
۳. روی کار آمدن احزاب میانه‌رو مانند حزب کارگر و کادیما و رهبران میانه‌روی مانند اسحاق رابین و شیمون پرز؛
۴. پایان جنگ سرد و نزدیکی اعراب به امریکا که باعث فشار به اسرائیل در راستای وارد شدن به روند صلح خاورمیانه شده است.

جدول شماره (۲)

مناطق اشغالی پس جنگ ۱۹۶۷ ^(۵)	جمعیت پیش از جنگ ۱۹۶۷	جمعیت ۱۹۷۲	جمعیت ۱۹۸۹	جمعیت ۱۹۹۹	جمعیت ۲۰۰۷
کرانه باختری رود اردن	۴۸۰	۱۱۸۲	۶۹۸۰۰	۱۷۷۴۱۱	۲۷۶۴۶۲
بیت‌المقدس شرقی	۲۳۰۰	۸۶۴۹	۱۱۷۱۰۰	۱۷۰۱۲۳	۱۸۹۷۰۸
بلندی‌های جولان	۰	۷۷	۱۰۰۰۰	۱۵۳۱۳	۱۸۶۹۲
مجموع جمعیت	۲۷۸۰	۹۹۰۸	۱۸۷۹۰۰	۳۶۳۸۴۷	۴۶۸۰۳۲

نمودار شماره (۲)





انواع شهرک‌های یهودی‌نشین

شهرک‌های یهودی‌نشین^(۶) که به ساکنان آن شهرک‌نشین گفته می‌شود، در انواع و اشکال مختلف وجود دارند که در این بخش به چهار شکل مهم آن اشاره می‌کنیم:

۱. کيبوتس: ^۱شهرک‌های سوسیالیستی به شیوه اقتصاد اشتراکی سوسیالیسم^(۷) که در آن مالکیت عمومی به جای مالکیت خصوصی وجود دارد. همه اموال از جمله زمین مسکونی و کشاورزی، ابزار کار و کشاورزی در این جوامع، متعلق به کلیه اعضای آن جامعه است و متعلق به شخص خاصی از آن جامعه نیست. در این شهرک‌های سوسیالیستی هر عضو به میزان توانایی خود فعالیت می‌کند و به مقدار احتیاج روزمره خود از درآمد عمومی استفاده می‌کند و افراد به اختیار خود عضو این شهرک‌های سوسیالیستی شده یا از آن خارج می‌شوند. نخستین کيبوتس در ۱۹۰۹ در دوره امپراتوری عثمانی توسط یوسف باراتز^۲ به همراه نه مرد و دو زن که از کارگران کشاورز بودند و پس از خرید یک‌سری اراضی در نزدیکی شهرکی فلسطینی به نام ام یونی در ساحل غربی دریاچه طبریه با نام دگانیا آلف^۳ ایجاد شد. نوع نظام اداری و سیاسی کيبوتس براساس دموکراسی مستقیم است که شامل مجمع عمومی با عضویت همه اعضا است و عموماً هر شنبه‌شب برای اخذ تصمیم در مورد مسائل اجتماعی و اقتصادی تشکیل جلسه می‌دهد. لازم به ذکر است که در برخی کيبوتس‌ها که داری جمعیت بالایی هستند، مجمع عمومی با دست‌کم یک‌سوم اعضا تشکیل و اتخاذ تصمیم می‌کند. به تدریج این شهرک‌های سوسیالیستی در اطراف دریاچه طبریه و منطقه مرج بن عامر^۴ گسترش یافتند؛ به طوری که امروزه در تمام نقاط اسرائیل و حتی در مناطق اشغالی ۱۹۶۷ هم وجود دارند. (کونوپینکی، ۱۳۴۹: ۱۸۴-۱۱۱) لازم به ذکر است به دلیل مشکلات و سختی زندگی در این کيبوتس‌ها، روند روبه‌رشد آن از دهه ۱۹۶۰ کاسته شده و از دهه ۱۹۹۰ روند نزولی داشته است.

۲. موشاو: ^۵شهرک‌های تعاونی هستند که بر خلاف کيبوتس، هر عضو یا

1. Kibbutz

2. Yossef Baratz

3. Degania Alef

4. Jezreel Valley

5. Moshav

خانوار^(۸) آن دارای زمین کشاورزی و منزل مسکونی خصوصی است ولی ابزارآلات و وسایل کشاورزی و صنعتی توسط تعاونی تأمین می‌شود و هر عضو به میزان سهم خود از آن امکانات استفاده می‌کند؛ از سوی دیگر تعاونی، خرید محصولات ایشان را نیز تضمین می‌کند. نوع نظام اداری و سیاسی موشاو براساس دموکراسی مستقیم و در موشاوهای پرجمعیت براساس دموکراسی غیرمستقیم است. هر موشاو دارای مجمع عمومی با عضویت همه اعضا است که معمولاً هر ماه برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل تعاونی تشکیل جلسه می‌دهد. موشاوها دارای اصول سه‌گانه‌ای است که عبارتند از:

الف - مالکیت زمین؛

ب - کار شخصی؛

ج - مددکاری متقابل. (کونوپینکی، ۱۳۴۹: ۲۵۵-۲۴۷)

نخستین شهرک تعاونی در یازده سپتامبر ۱۹۲۱ در منطقه مرج بن عامر با نام ناهالال^۱ توسط صندوق ملی یهود^۲ ایجاد شد.

۳. یایشوو^۳ در این شهرک‌ها شورایی^۴ مانند شهرک‌های عادی سایر نقاط جهان وجود دارد و هرکس حق دارد زمین کشاورزی، مسکن، وسایل کار، تجارت و صنعت برای خود تهیه و ایجاد کند ولی با این تفاوت که مسئله در شورای شهرک مطرح و در صورت تصویب آن شورا، مجوز فعالیت صادر می‌شود. همچنین اعضای جدید صرفاً در صورت پذیرش شورا و رعایت تمام آداب و رسوم و اصول مذهبی و عدم سوءپیشینه کیفری به عضویت در این شهرک‌های درمی‌آیند. در برخی از این شهرک‌ها، فقط زوج‌های جوان را می‌پذیرند. این نوع شهرک‌ها معمولاً دارای جمعیت کمی هستند و ساکنان آن از ۳۰ نفر تا حداکثر چند هزار نفر تجاوز نمی‌کند و فقط یک شهرک یایشوو بزرگ در کرانه باختری نزدیک بیت‌المقدس وجود دارد که جمعیت آن در حدود ۳۸۰۰۰ نفر است. در این شهرک‌ها، کارها

1. Nahalal

2. J.N.F (Jewish National Fund)

3. Yishuv

4. Communal Settlement



عمدتاً به صورت تعاونی اداره می‌شوند و همه شهروندان در آن سهم هستند. این شهرک‌ها دارای چترهای حمایتی از کودکان و بازنشستگان نیز هستند. نخستین یایشوو در ۱۹۵۳ با سرمایه فرد مانسون،^۱ کارخانه دار امریکایی و رئیس صهیونیست‌های شهر بستون ایالت ماساچوست در حوالی تل‌آویو ایجاد شد. این شهرک به منظور اسکان کارگران، کارمندان و پرسنل هوایی فرودگاه بین‌المللی بن‌گوریون تأسیس شده بود.

۴. شهرک‌های مرزی:^۲ این نوع شهرک‌ها در مناطق اشغالی برای اسکان سربازان و خانواده‌هایشان که در حال انجام مأموریت نظامی طولانی از جمله مرزبانی هستند، ایجاد شده است. ساکنان آنها در اطراف این شهرک‌ها مزارع کشاورزی و دامداری هم ایجاد کرده‌اند که به طور پاره‌وقت در آن محصولات کشاورزی و دامی تولید می‌کنند.

جمعیت‌شناسی شهرک‌های یهودی‌نشین

از نظر ژئوپلیتیک، شناخت جمعیت کشورها به مفهوم بررسی ویژگی‌های گوناگون آن مردم است. انسان‌ها در مقابل سایر پدیده‌های طبیعی، اصلی‌ترین و مؤثرترین عامل ژئوپلیتیک به‌شمار می‌روند. برخی از اندیشمندان حوزه توسعه اقتصادی، جمعیت را موتور توسعه می‌دانند. از سویی در تحلیل‌های ژئوپلیتیک، انسان باکیفیت مد نظر است. انسان باکیفیت به معنی انسانی است که از مهارت‌های عینی و ذهنی بالایی برخوردار باشد و با درک موقعیت‌های مختلف بتواند حوادث نامطلوب آینده را پیش‌بینی کرده و تا حد ممکن از وقوع آنها پیش‌گیری کند. (عزتی، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۱) به عبارت دیگر، آنچه در توسعه یک کشور نقش زیادی دارد، جمعیت باکیفیت است و جمعیت بی‌کیفیت نه تنها عاملی برای توسعه نیست، بلکه آثار بسیار مخربی را به همراه دارد. امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل داشتن جمعیت بی‌کیفیت، دچار بی‌ثباتی می‌شوند. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۳۲)

در اسرائیل نیز، بحران‌های جمعیتی و محیطی به دنبال بحران‌های قومی، ملیتی

1. Fred (Efraim) Monosson

2. Outpost

و مذهبی به وجود آمده‌اند که پیش‌بینی می‌شود در صورت ادامه برتری نرخ رشد جمعیت اعراب ساکن در مناطق اشغالی نسبت به یهودیان تا چند دهه آینده، این گروه به یک اقلیت جمعیتی تبدیل شوند. لذا نگرانی همیشگی اسرائیل در مورد جمعیت یهودیان را می‌توان در چند نکته خلاصه کرد:

۱. هدف اصلی تشکیل دولت اسرائیل، تشکیل سرزمینی برای تمام یهودیان جهان بود؛ (زیدآبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۸) از این رو بدون حضور آنان فلسفه وجودی تشکیل این دولت زیر سؤال می‌رود؛

۲. اسرائیل به منظور مقابله با بحران‌های پیش رو در محیط عربی پیرامونی خود که اساس موجودیت اسرائیل را نامشروع و غاصب می‌دانستند، نیاز به تقویت نیروی‌های انسانی داشته و دارد؛

۳. از زمان تأسیس اسرائیل، همواره اقلیتی عرب در آن ساکن بوده‌اند که هیچ‌گاه احساس هویت مشترکی با یهودیان نداشته‌اند. لذا افزایش جمعیت اعراب اسرائیلی، همواره به عنوان یک بحران بالقوه وجود داشته است.

از زمان تأسیس اسرائیل تاکنون، تصمیم‌گیرندگان یهودی همواره دغدغه بازگشت میلیون‌ها آواره فلسطینی جنگ ۱۹۴۸ را به سرزمین‌شان داشته‌اند. چراکه بازگشت احتمالی آوارگان، به معنای به خطر افتادن موجودیت ایدئولوژیک دولت یهودی اسرائیل خواهد بود. این نگرانی در پافشاری مذاکره‌کنندگان اسرائیلی با طرف‌های فلسطینی در موضوع آوارگان در مذاکرات صلح مشهود بوده است. (الحسن، ۱۳۸۶: ۵۱۷-۴۶۳)

ترکیب جمعیتی شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی ۱۹۶۷، یعنی در کرانه باختری و بلندی‌های جولان از زمان اشغال، روبه‌افزایش بوده است. لازم به ذکر است که این روند در صحرای سینا و نوار غزه نیز وجود داشت که با خارج شدن اسرائیل از این مناطق، این شهرک‌ها تخلیه و تحویل مصری‌ها و فلسطینیان شد. در اینجا ترکیب جمعیتی بلندی‌های جولان و کرانه باختری را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بلندی‌های جولان

در بلندی‌های جولان رسماً سی‌ودو شهرک یهودی‌نشین،^(۹) شامل بیست شهرک تعاونی موشاو، ده شهرک سوسیالیستی کیبوتس و دو شهرک شورایی یایشوو به مرکزیت شهرک تاریخی کاتزارین^(۱۰) زیر نظر شورای منطقه‌ای جولان در استان شمالی اسرائیل وجود دارد. براساس آمار ارائه‌شده مرکز آمار اسرائیل، ۱۱۹۰۰ شهرک‌نشین یهودی در بلندی‌های جولان زندگی می‌کنند که با احتساب ۶۵۰۰ نفر منطقه شهری کاتزارین، این تعداد به حدود ۱۸۴۰۰ نفر می‌رسد.^(۱۱)

جدول شماره (۳)

نام شهرک	نوع شهرک	تأسیس	جمعیت نفر	نام شهرک	نوع شهرک	تأسیس	جمعیت نفر
گیوات یواف	موشاو	۱۹۶۸	۴۵۸	گشور	کیبوتس	۱۹۷۶	۲۱۸
هیسپین	موشاو	۱۹۷۳	۱۳۷۴	کفر هاروو	کیبوتس	۱۹۷۴	۳۱۹
یوناتان	موشاو	۱۹۷۵	۳۷۵	افیک	کیبوتس	۱۹۷۲	۲۱۲
کاناف	موشاو	۱۹۹۱	۳۴۵	اورتال	کیبوتس	۱۹۷۸	۲۵۵
معال گملا	موشاو	۱۹۷۹	۳۸۸	موو هاما	کیبوتس	۱۹۶۸	۳۳۸
نوت گولان	موشاو	۱۹۶۸	۳۷۷	ال روم	کیبوتس	۱۹۷۱	۲۶۳
نوو	موشاو	۱۹۷۴	۵۲۹	متزار	کیبوتس	۱۹۸۱	۶۱
نواآتو	موشاو	۱۹۷۲	۱۷۵	عین زوبین	کیبوتس	۱۹۶۸	۱۹۷
نیمرود	موشاو	۱۹۸۲	۶ خانوار	ناتور	کیبوتس	۱۹۸۰	۱۲۹
کیدمت‌زوی	موشاو	۱۹۸۵	۳۷۵	مرون گولان	کیبوتس	۱۹۶۷	۵۱۹
کشت	موشاو	۱۹۷۴	۵۴۹	اودم	موشاو	۱۹۷۵	۱۰۳
راموت	موشاو	۱۹۶۹	۴۷۰	آونی ایتان	موشاو	۱۹۷۸	۴۶۸
راموت‌مقش یمیم	موشاو	۱۹۶۸	۵۴۷	آلونی‌هیشان	موشاو	۱۹۸۱	۲۹۱
شعل	موشاو	۱۹۷۶	۲۳۰	ایلاد	موشاو	۱۹۶۸	۲۷۵
هادنس	یایشوو	۱۹۸۹	۵۹۳	بنی یهودا	موشاو	۱۹۷۲	۱۰۰۹
کلا آلون	یایشوو	۱۹۸۱	۱۶۲	آنیما	موشاو	۱۹۷۸	۴۹۴

نقشه شماره (۲)



کرانه باختری رود اردن

کرانه باختری رود اردن، به ساحل غربی رود اردن و دریاچه بحرالْمیت می‌گویند که بین دو کشور اسرائیل و اردن واقع شده است. این منطقه، پس از جنگ استقلال اسرائیل (۴۹-۱۹۴۸) در اختیار اردن قرار داشت تا اینکه در خلال جنگ ۱۹۶۷ به



اشغال ارتش اسرائیل درآمد. کرانه باختری رود اردن، هم‌اکنون در اختیار دولت خودگردان فلسطین است و شهرهای فلسطینی نابلس، رام‌الله، بیت‌لحم، الخلیل، جنین، طولکرم و اریحا در این منطقه قرار دارد. این منطقه در تقسیمات کشوری اسرائیل به‌عنوان منطقه یهودا و شومرون^۱ نام‌گذاری شده است که دارای چهار شهرک یهودی‌نشین بزرگ با تشکیلات شهری از جمله شهرداری و شورای شهر است. جمعیت این منطقه براساس آمار ارائه‌شده توسط مرکز آمار اسرائیل ۲۹۰/۰۰۰ یهودی است.^(۱۲) همچنین این منطقه دارای شش شورای منطقه‌ای است که مسئول رسیدگی به امور اداری و مشکلات شهرک‌نشین‌ها هستند.

جدول شماره (۴)

نام شهرک ^۲	مکان در کرانه باختری	تأسیس	جمعیت
۱ آریل	در مرکز، جنوب شرقی شهر نابلس	۱۹۷۸	۱۶۸۰۰
۲ بیتار عیلیل	در غرب، جنوب غربی بیت‌المقدس	۱۹۸۸	۳۶۴۰۰
۳ معاله آدومیم	در مرکز، شرق بیت‌المقدس	۱۹۷۵	۳۴۶۰۰
۴ مودی‌عین عیلیل	در غرب، شمال غرب رام‌الله	۱۹۹۶	۴۴۹۰۰

جدول شماره (۵)

نام شورای منطقه‌ای ^۳	موقعیت جغرافیایی	تأسیس	جمعیت	شهرک مرزی	یاشوو	کیبوتس	موشاو
گوش اتریون	جنوب بیت‌المقدس	۱۹۸۰	۱۳۶۰۰۰	۴	۱۳	۳	-
هار هبرون	جنوب کرانه باختری	۱۹۸۲	۵۶۰۰۰	۳	۱۳	-	۳
ماته بنیامین	مرکز کرانه باختری	۱۹۸۰	۴۳۴۰۰	۱۵	۲۸	-	۲
مقیلوت	غرب بحرالمیت	۱۹۸۱	۱۰۰۰	-	۱	۴	۱
شومرون	شمال کرانه باختری	۱۹۷۹	۲۲۶۰۰	۴	۲۲	-	۲
بیقات هایاردن	شمال شرق کرانه باختری	۱۹۷۹	۳۴۰۰	-	۴	۲	۱۵

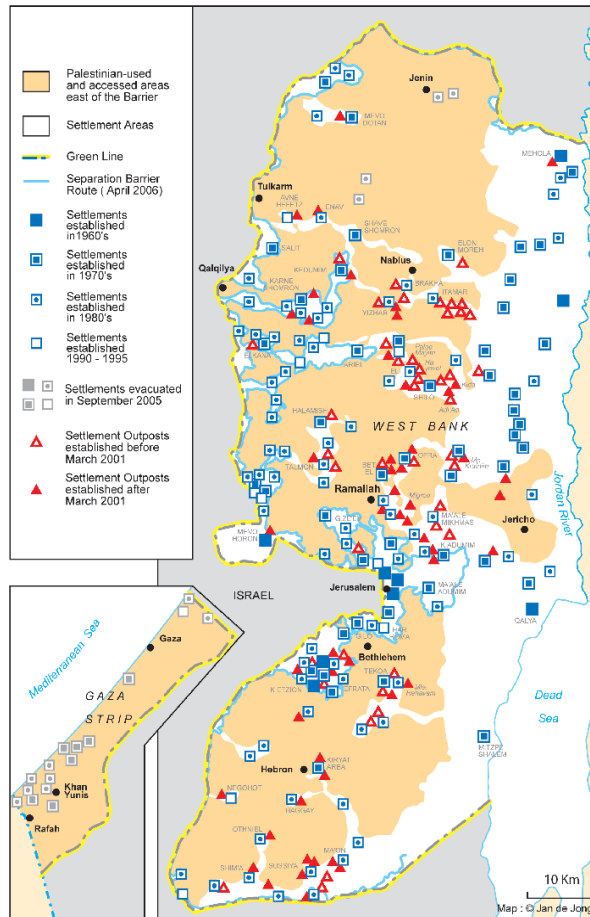
1. Judea and Samaria Area

2. Ariel, Beitar Illit, Ma'ale Adumim, Modi'in Illit

3. Biq'at HaYarden, Shomron, Gush Etzion, Har Hebron, Matte Binyamin, Megilot Dead Sea.

نقشه شماره (۳)

Settlements Established and Evacuated 1967 - 2008



بیت المقدس شرقی

بیت المقدس، شهر مقدسی برای ادیان ابراهیمی اسلام، مسیحیت و یهودیت است که همواره در طول تاریخ بر سر حاکمیت آن نبردهای سختی رخ داده است، مانند جنگ های صلیبی و مناقشات بین اسرائیل و فلسطین در دوران معاصر. ارتش اسرائیل در پی جنگ ۱۹۴۸-۱۹۴۹ قسمت غربی شهر بیت المقدس را به حاکمیت خود درآورد و قسمت شرقی تحت حاکمیت اردن قرار گرفت تا اینکه در جریان جنگ ۱۹۶۷ کل این شهر به تصرف اسرائیل درآمد. اکنون بیت المقدس به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شده که قسمت شرقی آن در اشغال اسرائیل و امور



اداری آن در اختیار دولت خودگردان فلسطین است. قسمت غربی آن نیز در اختیار دولت اسرائیل است و هر دو طرف دو این شهر را پایتخت خود می‌دانند. شهرک‌نشینی در بیت‌المقدس شرقی بر خلاف سایر نقاط اشغالی، بیشتر در مناطق شهری وجود دارد و یهودیان در شهرک‌ها و محله‌هایی با جمعیت تقریبی ۱۹۰,۰۰۰ نفر^(۱۳) زندگی می‌کنند. مساحت بیت‌المقدس شرقی در حدود ۱۴ درصد مساحت کرانه باختری است. (عاید، ۱۳۷۹: ۳۹-۴۷) مناطق و شهرک‌های مهم سکونت یهودیان عبارتند از:

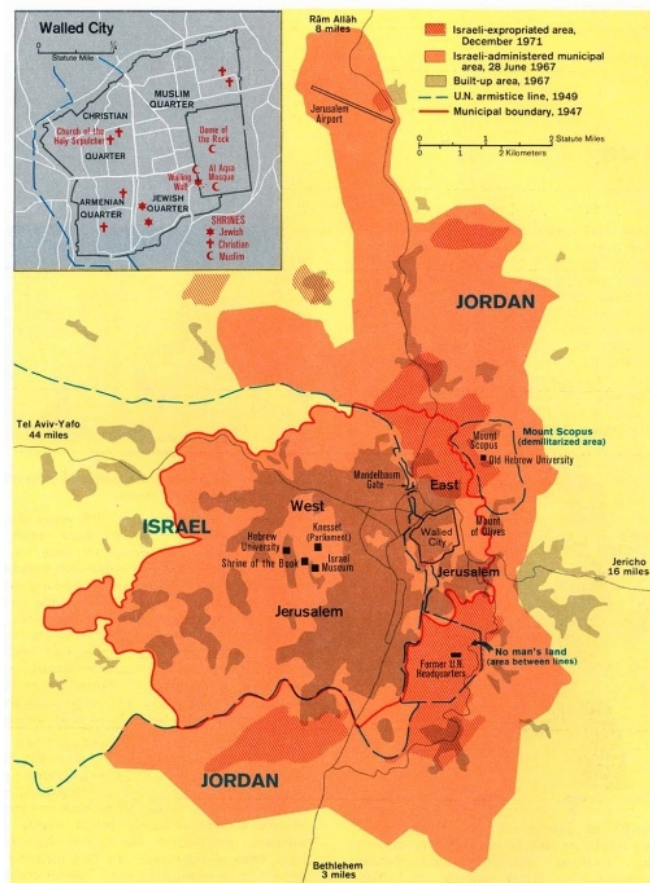
۱. بخش یهودی‌نشین شهر قدیمی بیت‌المقدس؛^۱
۲. شهرک صنعتی و مسکونی آتروت^۲ که بین رام‌الله و بیت‌المقدس واقع شده است؛
۳. نوياکوف^۳ یکی از محله‌های یهودی‌نشین در شمال شرق بیت‌المقدس؛
۴. پیسگات زعف^۴ با جمعیتی در حدود پنجاه هزار یهودی، یکی از محله‌های یهودی‌نشین در شمال شرق بیت‌المقدس؛
۵. شهرک راموت آلون^۵ با جمعیتی در حدود چهل هزار نفر در شمال غرب بیت‌المقدس؛
۶. راموت شالوم^۶ یکی از محله‌های یهودی‌نشین با جمعیتی در حدود هجده هزار نفر در شمال بیت‌المقدس؛
۷. شهرک گیلو^۷ با حدود چهل هزار یهودی در جنوب بیت‌المقدس؛
۸. هارهما^۸ یکی از محله‌های یهودی‌نشین با حدود چهار هزار خانوار در جنوب شرقی بیت‌المقدس؛
۹. تلپایوت شرق^۹ یکی از محله‌های یهودی‌نشین با حدود پانزده هزار یهودی در جنوب شرقی بیت‌المقدس.

1. Jewish Quarter in Old City
3. Neve Yaakov
5. Ramot Alon
7. Gilo
9. East Talpiot

2. Atarot
4. Pisgat Ze'ev
6. Ramat Shlomo
8. Har Homa



نقشه شماره (۴)



شهرک‌های یهودی تخلیه‌شده

براساس توافق‌های صلح بین اعراب و اسرائیل، اسرائیل حاضر به تخلیه برخی از سرزمین‌های عربی شد که برای مثال می‌توان به صحرای سینا اشاره کرد که براساس قرارداد صلح کمپ دیوید در سال ۱۹۸۲ تخلیه شد، جنوب لبنان که در سال ۲۰۰۰ از آن عقب‌نشینی شد و یا نوار غزه که با اقدام یک‌جانبه اسرائیل در سال ۲۰۰۵ تخلیه شد؛ اشاره کرد. پیش از پایان اشغال یهودیان در دو منطقه از این سه منطقه اقدام به شهرک‌سازی کرده بودند که ارتش اسرائیل در زمان عقب‌نشینی، این شهرک‌ها را تخلیه کرد:

۱۳۵ **صحرای سینا:** صحرای سینا منطقه مرزی میان مصر و اسرائیل و شبه‌جزیره



استراتژیکی با مساحت ۶۰۰۸۸ کیلومتر مربع است که از شمال به دریای مدیترانه، از جنوب به دریای سرخ، از غرب به کانال سوئز و از شرق به خلیج عقبه محدود می‌شود. این منطقه از نظر آیین یهود، به دلیل وجود کوه طور مقدس است، زیرا کوهی است که بنی‌اسرائیل پس از ترک مصر در آن مکان اقامت موقت داشتند. براساس عقاید یهودیان، یهوه^(۱۴) در این منطقه خود را به صورت بوتۀ آتش ظاهر کرد و نخستین وحی را بر حضرت موسی نازل کرد و از وی خواست که به دلیل تقدس این مکان کفش خود را از پایش در آورد. همچنین دین یهود در این مکان به بنی‌اسرائیل ارائه شد و گوسالۀ سامری نیز در کنار این کوه ساخته شد. به غیر از تقدس دینی، صحرای سینا به دلیل شرایط اقلیمی و تاریخی خاص خود یکی از مراکز توریستی محسوب می‌شود. پس از اشغال صحرای سینا توسط ارتش اسرائیل در خلال جنگ ۱۹۶۷، عده‌ای از یهودیان برای ایجاد شهرک به این مکان مهاجرت کردند و شانزده شهرک^۱ در غالب دو منطقه اداری با نام منطقه یامیت^۲ و خلیج شلومو^۳ در آن تأسیس کردند. اما در پی قرارداد صلح کمپ دیوید در سال ۱۹۸۲، ارتش اسرائیل مجبور به تخلیۀ آنها شد.

نوار غزه: نوار غزه، یک حاشیۀ ساحلی به طول تقریبی چهل کیلومتر و عرضی بین شش تا دوازده کیلومتر و منطقه‌ای فلسطینی و پرتراکم (از نظر جمعیت) در سواحل دریای مدیترانه است که از جنوب غربی با مصر و از شمال و شرق با اسرائیل هم‌مرز است. این منطقه نیز مانند اکثر مناطق اشغالی، طی جنگ ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمد و تعدادی از یهودیان برای شهرک‌سازی به این منطقه مهاجرت کردند. براساس منابع رسمی، آنها شانزده شهرک^(۱۵) تحت اداره منطقه قوش کاتیف^۴ را ایجاد کردند که در اوت ۲۰۰۵ براساس اقدام یک‌جانبۀ اسرائیل و توسط ارتش این شهرک‌ها تخلیه شدند.

1. Avshalom, Dikla, Haruvit, Holit, Naot Sinai, Netiv HaAsara, Nir Avraham, Ogda, Priel, Sadot, Sufa, Talmei Yosef, Yamit.Dizahav (Dahab), Neviot (Nuweiiba), Ofira (Sharm El Sheikh)

2. Yamit region

3. Gulf of Shlomo

4. Gush Katif

وضعیت حقوقی شهرک‌های یهودی‌نشین

برای بررسی وضعیت حقوقی آنها، لازم است نگاهی کوتاه به شکل‌گیری مرزها، معاهدات حقوقی دوجانبه و چندجانبه، پس از ترک مخاصمه و نیز قطعنامه‌های شورای امنیت در این مورد بیاندازیم:

۱. جنگ ۱۹۶۷ و پیامدهای ارضی و حقوقی آن

در پنجم ژوئن ۱۹۶۷، کشورهای عربی و اسرائیل با یکدیگر وارد جنگ شدند. طی شش روز صحرای سینا، کرانه باختری رود اردن، نوار غزه، بلندی‌های جولان و شهر قنيطرة به اشغال اسرائیل درآمد و اسرائیل بر بیت‌المقدس شرقی نیز مسلط شد. در پایان این جنگ، اراضی تحت اداره اسرائیل به بیش از سه برابر افزایش یافت و ارتش اسرائیل با اشغال بلندی‌های جولان به ۵۵ کیلومتری دمشق رسید. حتی پس از قرارداد آتش‌بس در ۱۱ ژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل با سوریه و دیگر کشورهای عربی، اسرائیل دیگر اجازه بازگشت آورگان به سرزمین‌های خود را به آنان نداد (Glossop, 2001: 40). در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷، شورای امنیت، قطعنامه ۲۴۲ را صادر کرد که در آن بر صلح در خاورمیانه تأکید شده بود و مستلزم اجرای دو اصل بود:

الف - عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷؛

ب - پایان بخشیدن به کلیه دعاوی و اظهارات خصومت‌آمیز، احترام به حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی و استقلال سیاسی دولت‌های منطقه، به رسمیت شناختن حق هریک از آنها برای زندگی صلح‌آمیز در داخل مرزهای خود. کشورهای عربی ضمن رد قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت اعلام کردند که قطعنامه، موضوع محوری عقب‌نشینی اسرائیل را به شرایط درخواستی کشورهای عرب گره زده است و خواهان خروج بی‌قید و شرط اسرائیل از مناطق اشغالی شدند. (پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد تهران، ۱۳۸۸)

۲. جنگ ۱۹۷۳ پیامدهای ارضی و حقوقی آن

در اکتبر ۱۹۷۳ طی جنگ غافلگیرانه‌ای که کشورهای عربی برای بازپس‌گیری بلندی‌های جولان و صحرای سینا علیه اسرائیل ترتیب دادند نیز درنهایت موفقیت قابل توجهی برای آنان به دست نیامد و وضعیت این منطقه به‌جز اندکی، تاکنون



تغییری نکرده است و در حال حاضر نیروهای حافظ صلح^۱ در منطقه مرزی بین اسرائیل و سوریه مستقر هستند. در ۲۲ اکتبر ۱۹۷۳ شورای امنیت قطعنامه ۳۳۸ را صادر کرد (البکاء، ۲۰۰۱: ۲۴۱-۲۳۹) که در آن ضمن تأکید مجدد بر قطعنامه ۲۴۲، خواستار ازسرگیری مذاکرات با هدف دستیابی به صلحی پایدار و عادلانه در منطقه خاورمیانه شده بود. در قطعنامه ۳۳۹ در ۲۳ اکتبر ۱۹۷۳ نیز درخواست آتش‌بس مورد تأکید قرار گرفت و از دبیرکل خواسته شد تا ناظران سازمان ملل را فوراً به منطقه اعزام کند. براساس قطعنامه ۳۵۰ که در ۳۱ می ۱۹۷۴ صادر شد، نیروی حافظ صلح سازمان ملل متحد در جولان^۲ تشکیل شد که مأموریت آن حفظ صلح و نظارت بر اجرای توافقات بین اسرائیل و سوریه بود (در نقشه شماره دو مشخص شده است). شورای امنیت، مأموریت نیروهای حافظ صلح را براساس قطعنامه‌های ۱۳۰۰، ۱۳۲۸، ۱۳۵۱، ۱۳۸۱، ۱۴۱۵ و اخیراً قطعنامه ۱۸۲۱ در سال ۲۰۰۸ تمدید کرده است. این نیروها از کشورهای هند، ژاپن، فیلیپین، کرواسی و استرالیا هستند و همچنان به مأموریت خود در منطقه جولان ادامه می‌دهند. (پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، تهران ۱۳۸۸)

۳. قانون الحاق جولان به اسرائیل و پیامدهای ارضی و حقوقی آن

در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۱، پارلمان اسرائیل با ۲۱ رأی مخالف و ۶۳ رأی موافق، قانونی را تصویب کرد که براساس آن، بلندی‌های جولان به این کشور ضمیمه می‌شود. این اقدام اسرائیل محکومیت جهانی را در پی داشت. به نظر می‌رسد اسرائیل این اقدام را برای تحت فشار قرار دادن سوریه و کشورهای عربی به منظور تمکین به خواسته‌های این کشور انجام داده است. برای مثال مناحیم بگین،^۳ نخست‌وزیر سابق اسرائیل در پاسخ به سیاستمدار و روزنامه‌نگار منتقد اسرائیلی، آمون رابین‌اشتاین^۴ گفت: «شما واژه الحاق را به کار ببرید ولی من از آن استفاده نمی‌کنیم». (Mearsheimer and Walt, 2007: 439) با اعلام الحاق بلندی‌های جولان به اسرائیل توسط پارلمان این

1. The United Nations Disengagement Observer Force (UNDOF) Zone

2. UNDOF

3. Menahem Begin

4. Amnon Rubinstein

کشور، شورای امنیت سازمان ملل متحد طی قطعنامه ۴۹۷ در ۱۷ دسامبر ۱۹۸۱ از این کشور خواست تا مصوبه خود را لغو کند. (Marshall, 2002: 34)

۴. شهرک‌سازی در مناطق اشغالی

در جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، هیچ سرزمینی از نظر حقوقی به اسرائیل واگذار نشده است و قطعنامه‌های شورای امنیت نیز کرانه باختری رود اردن و بلندی‌های جولان را جزء مناطق اشغال شده توسط اسرائیل می‌داند. لازم به ذکر است دولت اسرائیل مدعی است که مناطق اشغالی فلسطینی جنگ ۱۹۶۷، پیش از اشغال در حاکمیت رسمی هیچ کشور مورد تأیید سازمان ملل نبوده است. اما شورای امنیت سازمان ملل متحد، استان هفتم اسرائیل یعنی یهودا و شومرون (کرانه باختری رود اردن)، بلندی‌های جولان و بیت‌المقدس شرقی را به‌عنوان بخشی از اسرائیل به رسمیت نمی‌شناسد. این شورا طی قطعنامه‌های ۴۴۶ (سال ۱۹۷۹)، ۴۵۲ (سال ۱۹۷۹)، ۴۶۵ (سال ۱۹۸۰)، ۴۷۱ (سال ۱۹۸۰) و ۴۷۸ (سال ۱۹۸۰) ضمن رد ادعاهای اسرائیل، شهرک‌سازی در مناطق اشغالی مذکور را محکوم کرده و خواستار پایبندی دولت اسرائیل به ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو شد. براساس ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو: «قدرت اشغالگر نباید بخشی از جمعیت شهروندان کشور خود را به مناطق اشغالی منتقل کند». (Van Gelder and Kroes, 2009: 3)

اهمیت اقتصادی ایجاد و حفظ شهرک‌های یهودی‌نشین

اقتصاد و توسعه، امروزه یکی از موضوعات پراهمیت برای همه کشورها است. اسرائیل نیز که برای حفظ امنیت و کسب پرستیژ جهانی نیازمند منابع مالی است، تلاش می‌کند با صادرات محصولات تولیدی خود بتواند در این راستا حرکت کند. این محصولات، شامل محصولات کشاورزی و صنعتی هستند که در ذیل به آنها می‌پردازیم. از سویی برخی از کشورها به‌ویژه کشورهای خاورمیانه به دلایل زیر از خرید کالاهای اسرائیلی و محصولات شهرک‌های یهودی‌نشین مناطق اشغالی خودداری می‌کنند:

۱. غیرقانونی بودن شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی از نظر سازمان

ملل متحد؛



۲. عدم رعایت حقوق بشر و هم‌دردی با مردم مظلوم فلسطین؛
 ۳. به‌منظور حفظ روابط حسنه با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه؛
 ۴. تحریم کالاهای اسرائیلی در کشورهای خاورمیانه از سوی دولت‌ها و مردم.
- کشاورزی:** اصلی‌ترین منبع درآمد شهرک‌نشین‌ها در مناطق اشغالی کشاورزی است. این محصولات کشاورزی به‌دلیل نوع و کیفیت بالای آن، بیشتر به کشورهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا صادر می‌شود. برخی از این محصولات مانند ذرت، سیب‌زمینی و پیاز به مصارف داخلی اسرائیل می‌رسند و برخی دیگر علاوه‌بر مصرف داخلی، صادر نیز می‌شوند. این محصولات عبارتند از:
۱. خرما؛
 ۲. آوآکادو؛
 ۳. گیاهان طبی، دارویی و صنعتی؛
 ۴. مرکبات مانند پرتقال، لیمو، نارنگی و گریپ‌فورت؛
 ۵. انواع گل از قبیل رُز، میخک، ژپسوفیل و دیگر گل‌های تزئینی؛
 ۶. انگور اعم از میوه انگور و محصولات مشتق از آن مانند کنسنتره انگور و مشروبات الکلی؛
 ۷. صیفی‌جات مانند خربزه، هندوانه، طالبی، خیار، بادمجان، انواع فلفل، گوجه فرنگی و مشتقات آن؛
 ۸. گیلاس، آلبالو، انواع توت مانند توت فرنگی و توت سیاه. (Van Gelder and

Kroes, 2009: 6)

صنایع: یکی دیگر از منابع درآمد شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی، تولیدات صنعتی است که هم در داخل اسرائیل به مصرف می‌رسند و هم صادر می‌شوند. تولیدات این مناطق شامل محصولات پلاستیکی، قطعات فلزی، تولیدات نساجی، انواع فرش و زیرانداز، محصولات آرایشی، کالاهای تزئینی، مواد غذایی و مشروبات الکلی است. از عمده این مناطق صنعتی می‌توان به پارک صنعتی آتروت در شمال بیت‌المقدس، منطقه صنعتی میشور ادومیم^۱ در شرق بیت‌المقدس، پارک

1. Mishor Edomim or Edumim

صنعتی بارکان^۱ در شمال کرانه باختری و کاتزارین در بلندی‌های جولان اشاره کرد.

(Van Gelder and Kroes, 2009: 8)

جدول شماره (۶)

منطقه صنعتی	محصولات عمده	واحد صنعتی	کارگران
آتروت	مواد غذایی، قطعات خودرو و قطعات هواپیما	۲۰۰	۴۰۰۰
میشور ادومیم	مواد معدنی، صنایع الکترونیک، صنایع سرمایشی و گرمایشی، مواد غذایی و نساجی	۱۲۰	نامشخص (۱۶)
بارکان	قطعات پلاستیکی، قطعات فلزی، صنایع غذایی و نساجی	۱۲۰	۶۰۰۰
کاتزارین	تولید مشروبات الکلی (کوشر ^(۱۷) و غیره)، آب معدنی و صنایع دامی	نامشخص (۱۸)	۱۰۰۰

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در ابتدای مقاله اشاره شد، استفان بار جونز با ارائه نظریه «میدان متحد»، چگونگی ایجاد یک کشور را در تئوری خود توضیح می‌دهد که نگارندگان کوشیده‌اند تا از این تئوری در تحلیل توسعه‌طلبی و الحاق سرزمینی استفاده کنند، چراکه به‌رغم وجود برخی کاستی‌ها، این نظریه می‌تواند چهارچوب مناسبی برای تبیین این موضوع باشد. براساس این نظریه، در تکوین یک کشور، روندی مشتمل بر پنج مرحله وجود دارد که ما از آن در مورد توسعه‌طلبی اسرائیل استفاده می‌کنیم. نخستین مرحله توسعه‌طلبی، وجود یک اندیشه و ایدئولوژی وحدت‌بخش است. یک اندیشه نافذ در توسعه‌طلبی معمولاً از نظرات، اعتقادات و نگرش‌های وحدت‌بخش و تجدیدنظرطلبانه یک نژاد یا گروه اجتماعی غالب در یک ملت ایجاد می‌شود که این امر در مورد اسرائیل پیش از تشکیل وجود داشته و پس از استقلال نیز همواره تداوم داشته است. این اندیشه، همان ایده تشکیل اسرائیل بزرگ در تمام سرزمین باستانی فلسطین است. از سوی دیگر آرمان نیل تا فرات نیز، به دنبال یک‌سری اهداف اقتصادی است تا با تحقق آنها و رسیدن به برتری اقتصادی - تکنولوژیکی، اسرائیل بتواند از سرمایه و نیروی کار کشورهای عرب منطقه

استفاده کرده و بازار مصرف خاورمیانه را به دست گیرد. از این رو است که ضرورت انجام پیش‌بینی‌ها و مطالعاتی پیرامون آینده این شهرک‌ها نیز احساس می‌شود. دومین مرحله توسعه‌طلبی، تصمیم برای عملی کردن آن اندیشه است. زمانی که اندیشه‌ای در راستای توسعه‌طلبی شکل می‌گیرد، در صورتی که تصمیمی برای عملی کردن آن وجود نداشته باشد، این اندیشه در حد یک فکر باقی می‌ماند. اما زمانی شاهد تصمیم اسرائیل در توسعه‌طلبی و الحاق هستیم، که این کشور پس از پیروزی در جنگ‌های استقلال (۴۹-۱۹۴۸)، کسب ثبات نسبی و آغاز مهاجرت‌های گسترده، در راستای تأمین نیاز فضای حیاتی خود، اقدام به تصمیم‌گیری کرد. سومین مرحله شکل‌گیری توسعه‌طلبی، حرکت و اقدام برای عملی کردن تصمیم بر پایه اندیشه توسعه‌طلبانه است. حرکت اسرائیل برای عملی کردن تصمیمات خود را از سال ۱۹۵۶ و جنگ کانال سوئز می‌توان مشاهده کرد که بر اثر فشار بین‌المللی، این اقدام خود را ناتمام گذاشت. اما در نهایت در ۱۹۶۷ با آغاز جنگ و اشغال سرزمین‌های فلسطینی حرکت خود را به انجام رسانید.

چهارمین مرحله در تکوین توسعه‌طلبی میدان یا حوزه فعالیت حرکت برای اجرایی کردن یک تصمیم است. چراکه برای توسعه‌طلبی و الحاق، تعیین محدوده و قلمروی یک سرزمین ضروری است. آن سرزمین نیز باید دارای شرایطی خاص برای یک ملت و در راستای اندیشه توسعه‌طلبانه آنها باشد. این شرایط عبارتند از اینکه: نخست نگرش مثبتی به آن محدوده سرزمینی وجود داشته باشد، به این منظور که خود را متعلق به آن سرزمین بدانند و حاضر باشند برای دستیابی و حفظ آن، حتی از جان و مال خود نیز بگذرند. دوم اینکه این ملت، زندگی در آن سرزمین را بر زندگی در سایر نقاط جهان ترجیح دهند. سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷، یعنی کرانه باختری رود اردن، صحرای سینا و بیت‌المقدس واجد هر دوی این شرایط برای یهودیان بوده‌اند. لذا همان‌گونه که در این مقاله بیان شد، دولت‌مردان اسرائیلی با ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین قصد دارند تا در راستای تحقق اندیشه و اجرای تصمیم خود، با تغییر ساختار جمعیتی مناطق اشغالی، زمینه الحاق بخشی از آنها را فراهم کنند، که به نظر می‌رسد اسرائیل در وضعیت موجود در این مرحله قرار دارد. آخرین مرحله تکوین توسعه‌طلبی، الحاق سرزمین‌های اشغالی است که هدف

اسرائیل نیز هست. اسرائیل تلاش می‌کند تا ترکیب جمعیتی این مناطق را به نفع خود تغییر دهد تا اکثریت در این مناطق اشغالی و به‌ویژه بیت‌المقدس شرقی با یهودیان بوده و در آینده دارای پایتخت یکپارچه در بیت‌المقدس باشد؛ ولی رسیدن به این مرحله، به دلایلی از جمله وجود اکثریت عرب ساکن در این منطقه، عدم به رسمیت شناختن این اقدام توسط جامعه جهانی و عدم توانایی اسرائیل در تغییر گسترده ترکیب جمعیتی این مناطق (به گونه‌ای که اعراب در اقلیت قرار گیرند) تا به امروز اسرائیل موفق به آن نشده است. اما همچنان تلاش می‌کند تا در صورت توافق با فلسطینیان، بخشی از سرزمین‌های اشغالی از جمله سرزمین‌های آن‌سوی خط سبز و همین‌طور قسمت اعظمی از بیت‌المقدس را به سرزمین خود ملحق کند. پیش‌بینی حاکی از آن است که اسرائیل به دو دلیل به شهرک‌سازی هرچند محدود ادامه می‌دهد، نخست تلاش برای الحاق که در بالا به آن اشاره شد و دیگر شهرک‌سازی به نوعی باعث برتری روانی و برگ برنده در دیپلماسی در برابر مذاکره‌کنندگان فلسطینی و عربی شده است و با این برگ برنده می‌تواند امتیازات و حقوق بیشتری از مذاکرات به دست آورد.*



یادداشت‌ها

۱. معادل لاتین مهاجرت یهودیان به فلسطین واژه (Aliyah) است که از متون مقدس یهودیان اخذ شده است.
۲. در منابع غربی به دلیل وقوع جنگ در عید یوم کیپور که از اعیاد یهودیان است، آن را جنگ یوم کیپور (Yom Kippur War) و در منابع عربی به دلیل وقوع آن در ماه مبارک رمضان، به آن حرب تشرین و یا رمضان می‌گویند.
۳. در منابع موجود کمتر به موج ششم اشاره شده و نگارندگان به دلیل حجم بالای این مهاجرت که به نوعی بزرگ‌ترین موج محسوب می‌شود، آن را موج مهاجرت ششم نام نهاده‌اند.
۴. در تحقیقاتی که در منابع مختلف انجام شدند، آمار دقیقی به دست نیامد ولی همگی به یک میلیون نزدیک بود.
۵. تمام آمارهای این مقاله از وب‌گاه بنیاد صلح خاورمیانه اخذ شده است:
<http://www.fmep.org>
۶. در انگلیسی (Israeli settlements)، در عربی (مستوطنات اسرائیلیه)، در عبری (התנחלויות یا hitnakhlyot) و در منابع فارسی به‌ویژه در مطبوعات، رادیو و تلویزیون رسمی، شهرک‌های صهیونیستی گفته می‌شود.
۷. سوسیالیسم، به سیستم اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن مالکیت منابع طبیعی و ابزارهای تولید کالا و خدمات همگانی است.
۸. خانوار، کوچک‌ترین واحد اجتماعی در این شهرک‌های تعاونی است.
۹. در برخی منابع، تعداد این شهرک‌ها را بیشتر قید کرده‌اند ولی آمار رسمی این تعداد است.
۱۰. (Katzrin Ancient Village) یا نام‌های دیگر (Kasrin, Qasrin).
۱۱. آمار دقیق در دسترس نیست ولی در برخی منابع نزدیک به ۴۰۰۰ کارگر ذکر کرده‌اند.
۱۲. مشروبات الکلی که زیر نظر خاخام تولید می‌شود و استعمال آن برای یهودیان حلال است.
۱۳. به دلیل وجود کارگاه‌های کوچک آمار دقیقی در دسترس نیست ولی دارای ۳ کارخانه بزرگ است.



منابع

الف - فارسی

- آجورلو، حسین، حاج‌زگرباشی، سید روح‌الله. ۱۳۸۸. *ایران و مسئله اسرائیل*، تهران: دفتر گسترش تولید علم.
- الحسن، عبدالله. ۱۳۸۶. *سیاست ترانسفر یا کوچ اجباری فلسطینیان در خدمت راهبرد وصول به اسرائیل بزرگ*، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۸۲. *روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)*، تهران: انتشارات آوای نور.
- خالقی، احمد. ۱۳۸۷. «قلمروخواهی انسانی و نقش آن در تقسیمات خاورمیانه»، *روزنامه رسالت*، سال بیست‌و‌چهار، شماره ۶۶۴۶، هفته بهمن.
- زیدآبادی، احمد. ۱۳۸۲. *دین و دولت در اسرائیل*، تهران: روزنگار.
- عاید، خالد. ۱۳۷۹. *شهرک‌سازی در مناطق اشغالی*، ترجمه عبدالکریم جادری، تهران: دوره عالی جنگ.
- عزتی، عزت‌الله. ۱۳۷۱، ۱۳۷۹، ۱۳۸۶. *ژئوپلیتیک*، تهران: سمت.
- کونوپینکی، موریس. ۱۳۴۹. *تعاون در روستاهای اسرائیل*، ترجمه وحید ادیبی، تهران: مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران.
- لمون پرس. ۱۳۸۸. lemonpress.ir/Nsite/FullStory/?Id=4028.
- معروف، عبد. ۱۳۷۴. *دولت فلسطین و شهرک‌های یهودی‌نشین*، ترجمه فرزاد ممدوحی، تهران: اطلاعات.
- مویر، ریچارد. ۱۳۷۹. *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه دره میرحیدر و سید یحیی صفوی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

ب - عربی

- البدری، طاهر. ۲۰۰۱. *القدس: بدایه النهایه لدوله اسرائیل*، القاهرة: میریت للنشر و المعلومات.
- البکاء، طاهرخلف. ۲۰۰۱. *فلسطین من التقسیم الی اوسلو ۲: ۹۵-۱۹۳۷*، بغداد: دارالشوون الثقافیه العامة.

قريع، احمد. ٢٠٠٥. *الرواية الفلسطينية الكاملة للمفاوضات من اوسلو الى خريطة الطريق*، بيروت: مؤسسة الدراسات الفلسطينية.
 مصالحة، نورالدين. ٢٠٠١. *اسرائيل الكبرى و الفلسطينيين سياسه التوسع ١٩٤٧-٢٠٠٠*، بيروت: مؤسسة الدراسات الفلسطينية.

ج - لاتين

- Foundation for Middle East Peace. 2010. <http://www.fmep.org>.
- Gettleman, Marvin E., Schaar, Stuart. 2003. *The Middle East and Islamic World Reader*, New York: Grove Press.
- Glossop, Ronald J. 2001. *Confronting War: An Examination of Humanity's Most Pressing Problem*, Published by McFarland.
- Hiro, Dilip. 1982. *Inside the Middle East*, New York: McGraw-Hill.
- Izzeddin, Nejla, Hocking, William Ernest. 2006. *The Arab World: Past, Present and Future*, Contributor William Ernest Hocking, Whitefish, MT: Kessinger Publishing.
- Lilienthal, Alfred M. 2004. *What Price Israel?: 1953-2003*, West Conshohocken, PA: Buy Books on the web.
- Marshall, Edgar S. 2002. *Israel: Current Issues and Historical Background*, Contributor Edgar S. Marshall, New York: Nova Publishers.
- Mearsheimer, John J., Walt, Stephen M. 2007. *The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy*, New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Pappe, Ilan. 2004. *A History of Modern Palestine: One Land, Two Peoples*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Quigley, John B. 2005. *The Case for Palestine: An International Law Perspective*, Durham, North Carolina: Duke University Press.
- Sachar, Howard Morley. 1996. *A History of Israel: From the Rise of Zionism to Our Time*, New York: Knopf Publishing Group.
- Shafir, Gershon, Peled, Yoav. 2002. *Being Israeli: The Dynamics of Multiple Citizenship*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Singer, David, Grossman, Lawrence. 2003. *American Jewish Year Book 2003*, New York, N.Y: United Jewish Community.
- Thomas, Baylis. 1999. *How Israel Was Won: A Concise History of the Arab-Israeli Conflict*, Lanham, Maryland: Lexington Books.
- Van Gelder, Jan Willem, Kroes, Hassel. 2009. "UK economic links with Israeli settlements in occupied Palestinian territory," *Profundo Economic Research*, 10 February.